

۳ صدی سالکی حوزه

صدسالگی حوزه قم

به کوشش
رسول جعفریان

۳

به کوشش
رسول جعفریان

نمونه

الله أكبر
الله أكبر

صد سالگی حوزه قم

دفتر سوم

به مناسبت صد سالگی حوزه علمیه قم

نوروز ۱۳۰۱ - ۱۴۰۱ خورشیدی

به کوشش

رسول جعفریان

پاییز ۱۴۰۱

سرشناسه : جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ - ، گردآورنده

Jafarian , Rasul

عنوان و نام پدیدآور : صد سالگی حوزه قم: مجموعه مقالات به مناسبت صد ساله شدن حوزه علمیه قم نوروز ۱۳۰۱ - ۱۴۰۱ خورشیدی/ به کوشش رسول جعفریان.

مشخصات نشر : قم: نشر مورخ ، ۱۴۰۰ - ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری : ج.۳.

شابک : ج. ۱. ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۰-۶۹-۸ ؛ ج. ۲. ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۰-۶۹-۷۷-۳ ؛

ج. ۳. ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۰-۸۱-۰.

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : ج. ۲ و ۳ (چاپ اول: ۱۴۰۱) (فیبا).

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : مجموعه مقالات به مناسبت صد ساله شدن حوزه علمیه قم نوروز ۱۳۰۱ - ۱۴۰۱ خورشیدی.

موضوع : حوزه علمیه قم -- تاریخ -- مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع : Hozeh Elmiyeh Qom -- History -- *Addresses, essays, lectures

رده بندی کنگره : ۴۷/۷BP

رده بندی دیویی : ۰۷۱۰۵۵۱۲۸/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۴۲۷۴۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



صد سالگی حوزه قم (دفتر سوم)

سومین مجموعه مقالات به مناسبت صد ساله شدن حوزه علمیه قم

به کوشش رسول جعفریان

(استاد دانشگاه تهران)

نشر مورخ

نوبت و سال چاپ: اول / پاییز ۱۴۰۱

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

قیمت ۳۰۰ هزار تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

در باره دفتر سوم صدسالگی حوزه قم	۷
مواجهه متفاوت نخست وزیران: امینی و علم با مراجع / رحیم روحبخش	۱۱
تعامل حوزه علمیه قم با شبکه روحانی - بازاری کشور / رحیم روحبخش	۶۱
یادداشت هایی کوتاه و گزارشی از مطبوعات و.. در باره حوزه قم / رسول جعفریان.....	۹۹
علوم عقلی در حوزه نوپای قم / محمدرضا غفوریان.....	۱۵۷
مکاتبات آستانه قم در دوره تولیت محمد باقر حسینی با لکهنو و سامرا / فرشته کوشکی	۱۸۳
سه گزارش: مجله بررسی مطبوعات... قم به روایت اطلاعات ماهانه و... / فرید قاسمی	۲۰۱
با طعم غرناطه: گزارشی از سفرنامه آیت الله مصباح یزدی به ... / محمد حسین فروغی.....	۲۰۷
از لسان قم تا لسان قوم: توضیح المسائل آیت الله بروجردی / محمد حسین فروغی	۲۱۷
تأملات آیت الله سید محمد محقق داماد در مسأله ولایت فقیه / محمد سروش محلاتی	۲۴۳
یک کتاب و یک حوزه: چالش حوزه علمیه قم برابر کتاب شهید جاوید / مصطفی ایزدی.....	۲۶۱
میان پاکستان و قم: مدارس زنان شیعه و / مریم ابوزهب / ترجمه سید کمال دعایی.....	۳۴۹
یک قرن مرجعیت شیعه (۱۳۴۰ - ۱۴۴۰ق) در یک فهرست / ناصرالدین انصاری	۳۶۵
یک قرن خطابه در حوزه علمیه قم / ناصرالدین انصاری.....	۳۷۳
زندگی عبدالحسین صاحب الداری و اسنادی در باره معافیت طلاب / علی سلیمانی بروجردی.....	۳۸۳
گزارش سه مجله حوزه، بینات و آینه پژوهش در گفتگو با استاد محمدعلی مهدوی راد.....	۴۳۷
گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین حاج سید جواد شهرستانی در باره مجله تراثنا.....	۴۹۷

۶ □ صد سالگی حوزه قم (دفتر سوم)

- فصل نامه علوم حدیث: از تأسیس تا تحویل (شماره ۱ - ۵۸) / مهدی مهریزی..... ۵۱۱
- تاریخچه چاپ و چاپخانه در قم از آغاز تا پایان عصر پهلوی / مجید داداش نژاد..... ۵۴۳
- جریان کتاب در حوزه علمیه قم / علی صدرایی خویی..... ۵۸۳
- استاد سید غلامرضا سعیدی در قم / مجید فرخزادی..... ۵۹۱
- سید ابوالفضل تولیت از نگاهی دیگر / محمد مهدی هادی به..... ۶۳۱
- عزل تولیت قم و جایگزینی مشکوة به روایت اسناد / حمید کرمی پور / رضا مختاری..... ۶۶۵
- یک جهان وطن گرایی دینی: قم در آینه تبادلات فراملی / سپیده پارسا پژوه / سید کمال دعایی .. ۶۷۵
- مرحوم آقا (جدّ خاندان روحانی قم) / سید محمد هادی روحانی..... ۷۱۱-۷۵۳

بنام خداوند جان و خرد

در باره دفتر سوم صدسالگی حوزه قم

نقش سازمان روحانیت در تاریخ ایران، بویژه از دوره صفوی به این طرف، نقشی حساس و قابل تأمل بوده است. به نظر می‌رسد، روحانیت در مقایسه با نظامات و نهادهای طایفه‌ای و قبیله‌ای موجود در ایران و نیز در مقایسه با دستگاه‌های اداری و یا حزبی در مملکت با محوریت دولت و سلطنت و مجلس و هر نوع مرکز قدرت دیگر، از نوعی شبکه ویژه برخوردار بوده و با تمام موارد مشابه خود متفاوت است. تکیه بر باورهای دینی و خط حفظ سنت‌ها، هسته‌ی مرکزی این قدرت میان توده‌ها بوده و پس از آن، وجود مدارس دینی، خمس، مساجد و منبر، موقوفات، محضر و اموری از این دست، آن را به یکی از مهم‌ترین شبکه‌های موجود و مؤثر در کشور تبدیل کرده است. حوزه قم در این صد سال درگیر چه مباحثی بوده و چگونه و با چه ایده‌هایی در این دنیای پرتلاطم طی مسیر کرده است؟

در چهار قرن گذشته، نخستین بار اصفهان با تعریف «شیخ الاسلام» و تعیین شیخ الاسلام و امامان جمعه برای سایر شهرها، و نیز تعیین صدر و در مقطعی ملاباشی، به مرکزیت این شبکه تبدیل شد. با سقوط اصفهان، برای مدتی ایران از مرکزیت علمی - حوزوی دور افتاد و بسیاری برای تحصیل و وصل شدن به رأس این شبکه که مرجعیت بود، به عتبات رفتند. زمانی که قاجاریه به قدرت رسید، تهران تبدیل مرکز «دولت شیعه» شد، اما همزمان، اصفهان و مشهد و تبریز، همچنان شهرهای قدرتمندی در این زمینه بودند. قم نیز رشد چشمگیری در دوره قاجاریه داشت.

داستان این تغییرات را تا تأسیس حوزه علمیه قم در آغاز دوره جدید ایران - کمی بعد از کودتای ۱۲۹۹ - می‌دانیم. ایران پهلوی، وارد مرحله تازه‌ای از نوگرایی شد و به طور طبیعی با علما، حوزه‌های دینی و تفکر جاری در آن درگیر شد. از سوی دیگر، استقلال عراق، سختگیری در مرزها، و مسائل مالی و سیاسی، سبب شد تا دولت مدرن در ایران، در اندیشه کاهش ارتباط با نجف بیفتد. در این زمان حوزه‌ای جدیدی در ایران تأسیس شد، حوزه‌ای که کم و بیش می‌بایست ضمن انجام وظایف سنتی، موضع خود را با تجدید روشن کند. طبعاً در جریان کوشش دولت، مرجعیت را نمی‌شد حذف کرد، اما فکر این بود که باید آن را کنترل و محدود کرد، امری که کاملاً اتفاق نیفتاد و فعالیت دولتی‌ها و متجددان، با توجه نفوذ و قدرت روحانیت به عنوان یک شبکه مستقل و متکی به سنت، سازگاری و تناسب نداشت.

در این زمینه جدالی آغاز شد که بخشی از آن فکری و بخشی دیگر سیاسی بود. حوزه و به تعبیری روحانیت، از مشروطه تا این وقت، تغییراتی کرده بود، اما در کل حافظ سنت بود، در حالی که جهان در

حال تغییر می نمود؛ و این چالشی سخت را درست در وقتی که حوزه قم تأسیس شد پدید آورد. رقابت بر سر حفظ سنت‌ها از جهاتی توسط مرجعیت دینی، و ترویج نوگرایی در زمینه‌های مختلف توسط نیروهای تازه بدوران رسیده و آموزش دیده جدید در کار بود. بسیاری از نیروها و اقداماتی که می‌بایست مسیر حرکت کشور تعیین و تأمین می‌کرد زیر فشار این دو نیروی متعارض بود، به طوری که هر کدام، با استفاده از قدرت و شبکه‌ای که برای اعمال آن در اختیار داشتند، برای ترویج اندیشه‌ها و ایده‌های خود تلاش می‌کردند. یکی دیگری را به فساد و تباهی و ویرانی سنت‌ها متهم می‌کرد و دیگری، طرف مقابل را ارتجاع سیاه لقب می‌داد. تقریباً زبان مفاهمه‌ای هم در کار نبود.

در دوران پهلوی اول و دوم، فعالیت‌های رژیم پهلوی در ترویج افکار جدید تلاش می‌کرد، و حوزه می‌کوشید تأثیر آنها را محدود کرده، سنت‌های دینی و پیشینی را ترویج کند. هر دو نیازمند قدرت بودند و باید پایگاه‌های خود را استوار می‌کردند، و این رقابتی را در عرصه سیاست و اقتصاد هم ایجاد می‌کرد. بخش مهمی از منازعات صد سال گذشته همین امور و مظاهر و پیامدهای آن است. در واقع، نگاه معارضه بر عمده فعالیت‌ها حاکم بود. کوشش برای داشتن رسانه، تلاش برای بدست آوردن هزینه‌های مالی کافی، خلق افکار و اندیشه‌ها، تمسک به پاره‌ای از مسائل دینی - اجتماعی، و از آنجا تا ایجاد محدودیت برای یکدیگر، حذف کردن مخالف، و بسا تلاش مختصری برای اصلاح، از فعالیت‌هایی است که می‌توان در تمام این صد سال مظاهر درام گونه آن را مرور کرد. یک طرف مهم این ماجراها، موضع حوزه برابر غرب بود که با حضور و حتی در غیابش، به دلیل فرهنگی که ترویج می‌کرد، همه این مسائل را تحت الشعاع قرار می‌داد.

به نظر می‌رسد، اختلاف نظرها، به تدریج بیشتر و بیشتر شد تا آن که در انقلاب سال ۵۷ یکی بر دیگری غلبه کرد، بر همان «دیگری» که روزی در مشروطه بر او غلبه کرده بود. از آن به بعد، و در طول این چهل و اندی سال، حوزه همچنان درگیر آن تعارض و وعده‌هایی بود که برای بهبود وضع گذشته داده بود. این انتظار در چارچوب مسائلی بود که طی دو سه دهه قبل از آن وعده اصلاحش را در صورت بدست آوردن قدرت داده بود. اگر بگوئیم بسیاری از آرمان‌هایی که برای نمونه در مجله «مکتب اسلام» و موارد مشابه مطرح شده بود، اکنون در انتظار پیاده شدن بود، سخن غریبی نگفته‌ایم. طبعاً دایره این انتظارات بیشتر بود و روز به روز که مسائل و مشکلات تازه‌ای مطرح می‌شد، مثلاً در حوزه اقتصاد یا اخلاق و فرهنگ، می‌باید راه حل‌هایی که بتواند مسیر تازه‌ای را تعریف کنند ارائه می‌شد.

اکنون که نزدیک به ۴۵ سال از آن زمان می‌گذرد، درک درست آنچه در این زمینه ارائه شده، جالب خواهد بود. تجربه‌ای است مهم، به ویژه که در این سالها، تنها بحث نفی میراث پهلوی نبوده، بلکه نوعی مواجهه با اندیشه‌های جهانی هم بوده است. بحران‌های فکری موجود در عالم که موج آن به ایران می‌رسد، همواره حوزه قم را در شرایطی قرار داده که نسبت به آنها موضع‌گیری کند. این که نتیجه چه بوده و چه بدست

از لسان قم تا لسان قوم

توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها

محمد حسین فروغی^۱

انتشار توضیح المسائل آیت الله بروجردی که در سال ۱۳۳۵ ش نقطه عطفی در مسیر نگارش رساله‌های عملیه مراجع بوده است. مسیری که با «جامع عباسی» آغاز و با «نخبه کلباسی»، «عروة الوثقی» سید کاظم یزدی، و «وسيلة النجاة» سید ابوالحسن اصفهانی ادامه پیدا کرده بود. داستان این رساله از مرحله ایده پردازی تا تألیف، تدوین، تصحیح و انتشار هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. هرچند پیش از این برخی تلاش‌هایی در قالب یادداشت و مصاحبه و همچنین کتاب مستقلی با عنوان رساله ماندگار برای بررسی رساله این مساله صورت گرفته، اما از آنجا که این روایت‌ها به صورت پراکنده و بدون ارزیابی و توجه به اسناد بوده است، هنوز هم با پاره‌ای از ابهامات همراه است.^۲

تابستان ۱۳۳۲ باغ ونک

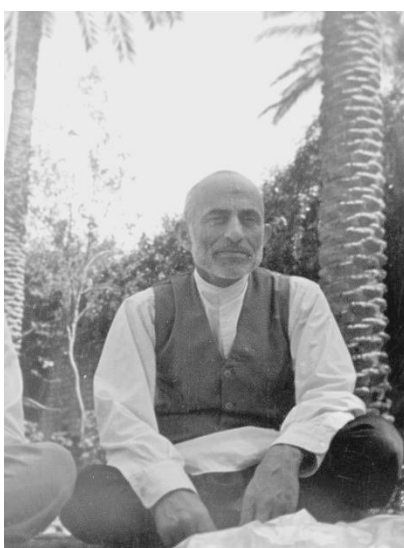
داستان تألیف رساله آنطور که علی اصغر کرباسچیان معروف به علامه می‌گوید از تابستان ۱۳۳۲ و در سایه یک درخت آغاز شد. او مثل دیگر طلبه‌های حوزه علمیه قم برای فرار از گرمای سخت و جانفرسای این شهر به قشلاق در یکی از روستاهای حاشیه تهران رفته است. این منطقه خوش آب و هوا در ده ونک و در جایی به نام باغ نو قرار دارد. علی اصغر کرباسچیان در این ایام علاوه بر گذراندن ایام تعطیل تابستان به کارهای تبلیغی نیز می‌پردازد.

برگزاری کلاس‌های احکام و اعتقادات برای نوجوانان و جوانان و سخنرانی‌های مذهبی برای عموم مردم از جمله این فعالیت‌هاست. یکی از حاضرین در این درس‌ها نقل کرده است که این جلسات با تصحیح قرآن و حمد و سوره آغاز و با بحث‌های مربوط به احکام و اعتقادات ادامه پیدا می‌کرد. منابع یا به تعبیر

۱. طلبه و پژوهشگر در حوزه علمیه قم

۲. مصاحبه‌های این مقاله از آرشیو موسسه علامه کرباسچیان و اسناد آن از آرشیو کتابخانه آیت الله بروجردی فراهم شده است. از حجت الاسلام حسن کرباسچیان و جناب آقای رهدار مدیر کتابخانه آیت الله بروجردی برای تسهیل در دسترسی اینجانب به فایل صوتی مصاحبه‌ها و اسناد مربوطه کمال قدردانی را دارم.

بهرتر کتاب کار آقای کرباسچیان در کلاس‌های معارف «ترجمه توحید مفضل علامه مجلسی» و در کلاس احکام «جامع الفروع آیت الله بروجردی» بود.^۱ تجربه میدانی آقای کرباسچیان نشان می‌داد که ادبیات دشوار این متون راه ارتباط نسل جوان با منابع دینی را به کلی قطع می‌کند. اما یک اتفاق مهر تایید نهایی بر این عقیده می‌شود.



آقای کرباسچیان این اتفاق را اینگونه گزارش می‌کند: «در یازده سالی که در قم خدمت آقای بروجردی بودیم تابستان‌ها به ونک می‌آمدیم و چادر می‌زدیم. من در آن زمان سی و هفت ساله بودم...^۲ یک روز به یکی از اهالی روستا گفتم شما یک رساله بخرید. ایشان رفت و رساله جامع الفروع را به مبلغ هفتاد ریال یعنی هفت تومان خرید... روز بعد آمد گفت من از این رساله چیزی نمی‌فهمم آقا. من همانطور که تنها زیر این درخت نشسته بودم به خودم گفتم تو عمامه روی سرت گذاشته‌ای، یعنی می‌خواهی بگویی نماینده پیامبری؟ پیامبر رسالتش بر اساس زبان قوم بود. وقتی مردم رساله را نمی‌فهمند دیگر معنای رسالت بر اساس زبان قوم درست نیست. شما رساله‌های قدیمی را ندیده بودید. عبارات عجیبی داشت. مخرج غائط را باید سه بار بشوید تا مسمای استنجا به عمل آید. گفته بود مسمای کدو و بادمجان شنیده بودیم، مسمای استنجا دیگر چیست؟ یا احوط و اقوی را می‌خواند احوط [بر وزن اصول] و اقوی [بر وزن

۱. مصاحبه سید محسن زاهدی آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

۲. با توجه به اینکه ایده رساله از سال ۱۳۳۲ مطرح شده و آقای کرباسچیان متولد سال ۱۲۹۳ ه.ش است، سن ایشان در این زمان ۳۹ سال بوده است.

توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها □ ۲۱۹

افعی]. گفته بودند این رساله عملیه است، یعنی بخوانی و عمل کنی وقتی نمی فهمد چگونه عمل کند؟^۱



رساله جامع الفروع آیت الله بروجردی

دشواری‌های رساله‌های فارسی

متن دشوار رساله‌های عملیه مساله غیر قابل کتمانی نبود. استفاده از اصطلاحات سخت آخوندی، کلمات مبهم و دو پهلو از جمله موانع برقراری ارتباط با رساله‌های عملیه بود برای نمونه مرحوم علی دوانی در مفاخر می‌گوید: «کلماتی مانند «احوط» که معلوم نبود احتیاط مستحبی است یا واجب، و «اقوی» و امثال اینه کار را دشوار می‌کرد. فهم مسائل این رساله‌ها هم بستگی داشت به این که مسئله گویی آن را در اوقات نماز جماعت درس بگویند و مردم بدانند که «اقوی» یعنی چه، و «احوط» مستحبی است.»^۲

۱. خاطرات علامه کرباسچیان آرشو موسسه علامه کرباسچیان با اندکی ویرایش

۲. مفاخر اسلام، ج ۱۲، ص ۲۲۲-۲۲۳

۲۲۰ □ صد سالگی حوزه قم (دفتر سوم)

آخوندزاده می‌گوید یکی از مسأله‌های آن این بود که گوسفند را چگونه ذبح می‌کنند؟ اینگونه جواب داده بودند: «فری اوداج اربعه» چه کسی می‌فهمید که این عبارت یعنی چه؟ بنابر این در این رساله‌ها هم سوالات علمی بود هم پاسخ هایش با ادبیات حوزوی و سخت.^۱ مجتهدی هم نمونه دیگری از این دشواری‌ها را مثال زده است: «یکی از مطهرات ازاله عین نجاست از بدن حیوان صامت است» که علامه این جمله را تبدیل کرد به این جمله «برطرف شدن عین نجاست از بدن حیوانات».^۲



جامع الفروع با تصحيح مرحوم ميرزا ابوالحسن شعرانى

۱. مرتضى آخوندزاده، ۸۰ سال تکاپوی علمی و فرهنگی ص ۶۰

۲. روایت استاد، استاد علامه کرباسچیان از نگاه دیگران

توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها □ ۲۲۱

این دشوارخوانی‌ها فقط اختصاص به مردم عادی نداشت و به قول حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی حتی طلبه‌ها هم وقتی می‌خواستند مساله‌ای را پیدا کنند با دشواری روبرو بودند^۱ و البته عجیب‌تر اینکه اختصاص به طلاب هم نداشت بلکه فضلالی حوزه هم با این مشکل روبرو بودند چنان که آیت الله شعرانی هم گفته بود: «من بعضی از عبارات فارسی جامع الفروع را متوجه نمی‌شوم. خدمت آیت الله بروجردی می‌نویسم که ایشان معنا کند.»^۲ جالب این جاست که هنوز هم برخی از این اشکالات در رساله‌های فعلی وجود دارد.^۳

تالیف کتاب

به هر حال مجموع این مشاهدات آقای کرباسچیان را به این ضرورت رساند که به سراغ نگارش یک رساله عملیه برود تا به تعبیر خودش «بلسان قوم» سخن بگوید: «بعد از اینکه این داستان ونک پیش آمد من به این ضرورت رسیدم که باید این کار را انجام دهم.»^۴ به همین دلیل با پایان تابستان به قم آمد و با تعطیلی دروس خودش مشغول بازنویسی یا به تعبیر خودش «ساده نویسی رساله» شد. در این مدت تنها به درس آیت الله بروجردی می‌رفت آن هم به دلیل تاثیرات اخلاقی و معنوی آن درس. شیخ یحیی عابدی مهرماه سال ۱۳۳۲ را اینگونه به یاد می‌آورد: «سال ۱۳۳۲ بعد از تابستان من از زنجان به قم برگشتم. رفتم سراغ ایشان اولین دقیقه‌ای که من را دید. گفت: تکلیف عوض شد! غیر از درس آقای بروجردی همه چیز تعطیل. آن هم چون جنبه‌ی آموزشی اخلاقی دارد. بعد توضیح داد که من امسال رفتم ونک، دیدم من نمی‌فهمم این رساله را، مردم این رساله را نمی‌فهمند. این رساله‌ها را طلبه‌ها هم نمی‌فهمند... باید بنشینیم

۱. روایت استاد، استاد علامه کرباسچیان از نگاه دیگران ص ۲۶۸

۲. خاطرات علامه کرباسچیان آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

۳. موارد وسوسه انگیز مثل: اگر سر مویی آب نیند غسل باطل است، مطالب غیر کاربردی: مثل اینکه اگر مردی دوزن داشته باشد و یکی از زن‌ها به عموی زن دیگر شیر دهد آیا بچه‌های او به این شخص محرم هستند؟ استفاده از واژه‌های گنگ مثل: شبهه اظهار اقوی. همچنین احکام بدون موضوع مثل: آزادکردن بنده یا پرداخت پول ۲۰۰ حله یمنی. (مصاحبه با حجت الاسلام پروازی. پایگاه شفقنا). با این حال وضعیت این رساله‌ها به مراتب از نمونه‌های فارسی قدیمی آن بهتر است به این نمونه‌ها توجه کنید: مسئله: آن کس را کی قضا بر کردن بود نماز ادایش بر طریقی کی اولی تر بود و براءة ذمه حاصل شود کی تواند کرد بفضل بگوید. الجواب: آخر وقت روا نبود که مردم سرای به اجارته‌ها دهد، بیش تر از آن که وی به اجارت فرا گرفته باشد الا که در وی حدیثی بکرده باشد، چون چنین کرده بود، روا بود که بیش تر از آن به اجارته‌ها دهد. هر که را چیزی از ماه رمضان بفایت شود، به بیماری یا سفر، یا یکی ازین سببها که گشادن به واجب کند، باید که قضایش بکند، هر که که تواند کرد (عباس یزدانی، مروری بر رساله‌های علمیه، مجله فقه، ش ۱۵)

۴. خاطرات علامه کرباسچیان آرشیو موسسه. با این حال آقای فقیهی گفته است که این از ابداعات آقای بروجردی بوده است که رساله‌ها ساده نویسی شود.

آن را آسان کنیم.»^۱ برخی گفته‌اند که این کار شامل ترجمه و روان سازی عبارات بوده است^۲ که نادرست است. چرا که این رساله پیش از این ترجمه شده بود اما عبارات پیچیده و مبهم بود. روش کار هم به این شکل بود که گروهی از شاگردان علامه با مطالعه مجمع المسائل و جامع الفروع^۳ یک پیش نویس ساده شده را به آقای علامه ارائه می‌کردند. این گروه اولیه عبارت بودند از یحیی عابدی، قدوسی، اخلاقی و نجف آبادی.^۴ علی دوانی که خود در آن روز نسخه‌ای از این پیش نویس را در دست آقایان علی قدوسی و شیخ یحیی عابدی دیده است می‌نویسد: «ایشان [علامه کرباسچیان] هم مباحث فقهی را میان چند نفر از شاگردان خود تقسیم می‌کنند، مثلاً کتاب طهارت، یا خمس، یا حج، یا رهن و شاید، چند کتاب را به یکی از آنها می‌دهد. آنها هم مسائل را با قلم ساده‌ای نوشتند و به ایشان دادند، و پس از نظارت کامل ایشان، تسلیم علمای بیت آیت الله بروجردی می‌شود. من دو کتاب آن را که هم اکنون نمی‌دانم چه مباحثی بود، در دست حجج اسلام شهید علی قدوسی، و آقاشیخ یحیی عابدی زنجانی دیدم که آنها روی آن کتابها کار می‌کردند.»^۵

نظارت بر کتاب

بعد از آماده سازی پیش نویس، توسط گروه مذکور علامه ویرایش‌های لازم را روی آن انجام داده و بعد برای مشورت در اختیار دیگران قرار می‌داد. از جمله کسانی که به صورت مرتبط مورد مشورت علامه قرار می‌گرفت آقای محمد آخوندی موسس دارالکتب اسلامیه بود. یحیی عابدی به یاد می‌آورد: «ایشان هفته‌ای یک روز می‌آمد تهران پیش حاج شیخ محمد آخوندی. می‌گفت: «این آدم چیز فهمی است. من می‌روم خانه‌اش در بازار بین الحرمین عبارت را می‌خوانم، بعد او سرش را می‌گذارد روی کرسی و فکر

۱. مصاحبه یحیی عابدی آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

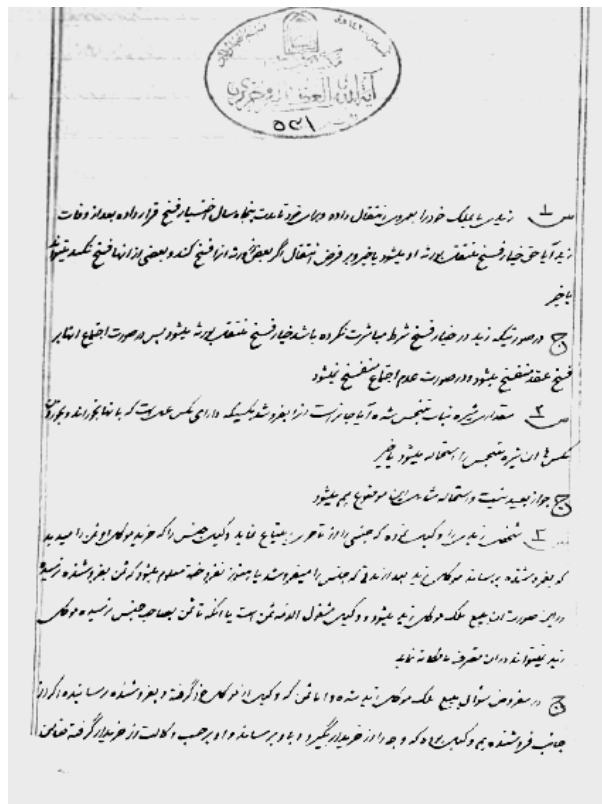
۲. الذریعه ج ۲۶/ص ۱۲۲۰

۳. مجموعه فتاوی آیت الله بروجردی که به قلم موحدی قمی گردآوری شده بود مجمع الرسائل یا جامع الفروع نام دارد نه مجمع المسائل. به عبارت دیگر مجمع الرسائل و جامع الفروع یک کتاب است و موضوع آن حاشیه آقای بروجردی بر مجمع المسائل میرزای شیرازی است که توسط محمد بن عبدالله مشتهر به موحد قمی بارها از جمله یکبار در ربیع ۱۳۶۸ ق به تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی و بار دیگر در جمادی ۱۳۷۱ ق توسط کتابفروشی اسلامیه و بار دیگر در ربیع ۱۳۷۲ ق توسط کتابفروشی و چاپخانه محمد علی علمی و همچنین در شوال ۱۳۷۲ توسط موسسه مطبوعاتی امیرکبیر منتشر شده است. [نسخه‌های مذکور در آرشیو کتابخانه آیت الله بروجردی موجود است]

۴. مصاحبه یحیی عابدی آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

۵. مفاخر اسلام، علی دوانی، ج ۱۲ ص ۲۲۳

توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها □ ۲۲۳



نسخه ۵۳۱ کتابخانه موسسه حضرت آیت الله بروجردی

گویا پیش نویس توضیح المسائل می باشد.

می کند بعد می گوید: این کلمه این جور باید باشد. «مرتضی آخوندی فرزند شیخ محمد آخوندی نیز آن روزها را این گونه به یاد می آورد:

«منزل ما تا سال ۱۳۳۳ شمسی در همان کوچه رو بروی مسجد امین الدوله بود، و من به یاد دارم که صبح‌ها بین الطلوعین حتی وقتی که داشت برف می بارید مرحوم آقای کرباسچیان به منزل ما می آمد و [به همراه پدرم] دو تایی کار رساله را انجام می دادند. رساله وسیله النجاه دستشان بود، و رساله ای بر اساس آن و فتاوی آیت الله بروجردی تنظیم کردند که توضیح المسائل نام گرفت. این فتاوا توسط آقای

۱. آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

۲. رساله ای موافق با فتاوی مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی که آیت الله بروجردی بر این رساله حاشیه زده بود و ظاهراً قبل از آمدن به قم در بروجرد چاپ شده بود رساله ای به همین نام در سال ۲۵ شمسی از بروجردی چاپ شده است.

کرباسچایان می‌آمد و بعد به زبان جدید و عوام فهم تنظیم می‌شد»^۱ در تابستان سال ۱۳۳۳ یعنی درست یکسال پس از شروع کار بازنویسی، آقای روزبه هم به جمع ناظران توضیح المسائل اضافه می‌شود. روزبه در منزل حاج خان پدرزن خود بر روی نسخه اصلاحاتی را انجام می‌دهد که مفید است.^۲ متن رساله به تعبیر علامه در اختیار همه طبقات قرار می‌گیرد تا معلوم شود که آنها به خوبی متن را متوجه می‌شوند یا نه. این افراد از محسن زاهدی که تازه به تکلیف رسیده بود تا دختر خود علامه که او نیز در آستانه سن تکلیف بوده تا بزرگان حوزه را شامل می‌شد. متن اولیه پس از آماده سازی در اختیار همسر علامه قرار می‌گرفت تا آن را پاکنویس کند.^۳ اولین بخشی که آماده می‌شود بحث اجتهاد و تقلید است. این بخش با همکاری عابدی، اخلاقی و قدوسی و نظارت علامه انجام شده است.

حالا باید رضایت آیت الله بروجردی کسب می‌شد. این کار بر عهده گلزاده غفوری گذاشته می‌شود: «[آقای علامه] به من گفت: شما رساله ی قدیم جامع الفروع و رساله ی جدید توضیح المسائل را مطالعه کن و اگر تشخیص دادی رساله ی جدید بهتر است، به آقای بروجردی منتقل کن، یعنی می‌خواست کسی که می‌خواهد واسطه ی این کار قرار بگیرد، خودش باور داشته باشد. من هم سه، چهار بار به آقای بروجردی گفتم: رساله‌های فعلی برای جوانان ملال آور است، و خودشان را از این عبارتها بیگانه می‌دانند؛ شما اجازه بدهید همان محتوا در شکل قابل فهم تری عرضه شود. ایشان هم رضایت دادند و این فتح بزرگی بود و عمل صالح آن زمان به شمار می‌رفت.»^۴

احتمالا در این جلسه خود آقای علامه هم حضور داشته است. یحیی عابدی درباره این جلسه می‌گوید: «ایشان کتاب را پیش آقای بروجردی برد و گفت: رساله‌ی مجمع المسائل شما مشکل است و مردم آن را نمی‌فهمند. ما می‌خواهیم آن را ساده کنیم. بحث اجتهاد و تقلیدش آماده شده، آن را ملاحظه فرمایید. آقای بروجردی فرموده بود: همه‌ی رساله را بنویسید، بعد بیاورید پیش من.»^۵

نگارش کل رساله با وجود این احتمال که مورد تایید آقای بروجردی قرار نگیرد کار سخت و پرخطری است. اما علامه این کار را با همکاری دیگران ادامه می‌دهد. افرادی که در این زمان شاهد فعالیت‌های علامه بوده‌اند سخت کوشی او در راه تدوین رساله را فراموش نمی‌کنند. شیخ مرتضی تهرانی می‌گوید: «من در قم به منزل ایشان رفتم. یک اتاق دو در سه با یک تخت. این اتاق فرش و گلیم هم نداشت. ایشان مشغول توضیح المسائل بود. با یک دسته کاغذ و مداد پاک کن و جامع الفروع آقای بروجردی. گاهی

۱ . ۸۰ سال تکاپوی علمی و فرهنگی، مرتضی آخوندی، ص ۶۲

۲ . در نظارت بر این کتاب اسم آقایان سیدجعفر بهشتی، شیخ علی‌پناه اشتهاوردی و اکبر هاشمی رفسنجانی هم به چشم می‌خورد.

۳ . مصاحبه با حجت الاسلام یحیی عابدی، آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

۴ . مصاحبه با حجت الاسلام گلزاده غفوری، آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

۵ . مصاحبه با حجت الاسلام یحیی عابدی، آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها □ ۲۲۵

این‌ها را می‌گذاشتند داخل یک دستمال می‌رفتند بیرون شهر به طرف صفائیه که آن موقع بیابان بود و عصر بر می‌گشتند^۱ خزعلی نقل می‌کند که: «یک بار آقای کرباسچیان از تهران به قم می‌رفت که عصر برگردد. قبل از ظهر برگشت. گفتند: شما که می‌خواستید بروید قم. گفت: داشتم می‌رفتم، در راه قم نمونه‌های چاپ شده را نگاه می‌کردم، دیدم یک "واو" زیاد است. از ماشین پیاده شدم، آمدم این طرف جاده، دوباره سوار شدم برگشتم تهران، به چاپ خانه رفتم، گفتم ماشین چاپ را نگه داشته و آن "واو" اضافه را بردارند!»^۲ سید جمال الدین پرور می‌گوید که «بخشی از این کار در منزلی که در نوروز خان بود با راهنمایی ایشان پاک نویس شد».^۳

اتمام کار

حدود دو سال بعد یعنی در تابستان سال ۱۳۳۴ کار توضیح المسائل تمام می‌شود. با پایان کار دوباره با آیت الله بروجردی تجدید دیدار می‌شود. آیت الله بروجردی اجازه را مشروط به تایید آن از سوی لجنه‌ای به سرپرستی سید حسین بدلا می‌کند. آقای بدلا چنین به یاد می‌آورد: «کار دیگری که در وشنوه انجام می‌دادیم تصحیح و تنظیم رساله توضیح المسائل بود... پیش نویس اولیه به قلم آقای علامه کرباسچیان نوشته شد و در اختیار مرحوم آقای بروجردی قرار گرفت. ایشان هم قضیه را به من محول کردند. من هم عرض کردم به تنهایی از عهده این کار بر نمی‌آیم. ایشان هم اجازه دادند که من هیئتی را برای این منظور انتخاب کنم. من آقای شمس الدین همشیره زاده و برادر داماد آقای بروجردی، آقای سید حسن مدرسی که با نوه شیخ عبدالکریم حائری وصلت کرده بود و آقای شیخ محمد موحدی که استفتانات و پاسخ آنها را در دفتر مخصوصی ثبت می‌کرد را انتخاب کردم... با همکاری این افراد و سرپرستی من، رساله توضیح المسائل مرور شد.^۴ زمان از این جهت به درازا کشید که لازم بود برای کنترل برخی از مسائل خدمت خود آیت الله بروجردی برسیم و مطالب و اشکالات را با ایشان در میان گذاریم. شاید بیش از یک سال روی توضیح المسائل کار کردیم تا فتاوی جدید ایشان را بگنجانیم».^۵

۱. مصاحبه آیت الله شیخ مرتضی تهرانی به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۱۵ آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

۲. آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

۳. یاد استاد ص ۳۲۰

۴. از این افراد نیز در لجنه مذکور یاد شده است: میرزا مهدی بروجردی (پدرزن آقای گلپایگانی و همه کاره آشیخ عبدالکریم)، علی

صافی گلپایگانی، جواد نجف‌آبادی، شیخ عبدالجواد سدهی اصفهانی

۵. هفتاد سال خاطره، بدلا، ص ۱۶۹



نسخه شماره ۵۳۰ کتابخانه آیت الله بروجردی گویا بعد از بررسی لجنة تحقیق است.

در این سفر به و شنوه، خود علامه هم حضور داشته است. سید محسن زاهدی که همراه علامه در این سفر بوده است می گوید: «آقای بروجردی تابستان‌ها می‌رفتند و شنوه که جای خنکی است در اطراف قم. من پیش آقای علامه درس می‌خواندم. آقای علامه تصمیم گرفتند بروند و شنوه خدمت آقای بروجردی و رساله را ارائه بدهند و ایشان تأیید کنند و این هم مدتی طول می‌کشید. من گفتم: آیا اجازه می‌دهید که من هم با شما بیایم تا درسم تعطیل نشود؟ ایشان قبول کردند و دو نفری بدون خانواده رفتیم و شنوه. حدود دو ماه طول کشید. ایشان مرتب دنبال کارش پیش آقای بروجردی می‌رفت و من هم سرگرم کارهای خودم بودم.»^۱

بعد از همه این مراحل متن نهایی شده به دست مرحوم علی اصغر فقیهی رسید و ایشان متن را به لحاظ نگارشی بررسی و حسابی پیراسته‌اش می‌کرد.^۲ در نهایت متن به قلم آقای عابدی که خط خوشی داشتند

۱. آرشيو موسسه علامه كرباسچيان

۲. مصاحبه با حجت الاسلام يحيى عابدی آرشيو موسسه علامه كرباسچيان. علی اصغر فقیهی در مصاحبه با نشریه کوثر می گوید: در زمان آیت الله بروجردی (ره) به دستور ایشان متن رساله عملیه را به صورتی ساده به کمک آقای علامه كرباسچيان كه از اصحاب ایشان بود نوشتم. [مصاحبه با علی اصغر فقیهی نشریه کوثر] با این حال برخی از شاگردان مرحوم فقیهی گفته اند كه این رساله به تنهایی و توسط آقای فقیهی بازنویسی شد و آقای كرباسچيان در تالیف آن دخالتی نداشت. [گفتگوی نگارنده با مهدی عباسی]

توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها □ ۲۲۷

تحریر می‌شد و ایشان به نوعی نسخه نهایی را پاک‌نویس می‌کردند. البته در این زمان هم علامه کار را رها نمی‌کند. عباس فقیهی برادر علی اصغر فقیهی آن روزها را اینگونه به یاد می‌آورد: «خانه ما گذر عابدین نزدیک گذرخان بود... آقای کرباسچیان می‌آمدند خانه ما در اتاق می‌نشستند. یک صندلی ایشان یک صندلی اخوی می‌نشست من برای آن‌ها چایی می‌بردم می‌دیدم که اخوی می‌گفت و ایشان می‌نوشت. روزهای زیادی به این منوال گذشت. گاهی صبح‌ها و گاهی عصرها ادامه داشت. من یادم می‌آید که این اتفاق حدود چند ماه طول کشید»^۱ آقای عابدی می‌گوید که برخی از بخش‌های توضیح المسائل به تحقیق ده بار تغییر کرد.^۲

بالاخره در سال ۱۳۳۴ حضرت آیت‌الله بروجردی از حاج‌آقا روح‌الله موسوی خمینی، آیت‌الله گلپایگانی و عده‌ای دیگر می‌خواهند تا رساله جدید «توضیح المسائل» را قبل از انتشار بررسی کنند. این نظارت نیز دو ماه به طول می‌انجامد. در نهایت آیت‌الله بروجردی رضایت به انتشار کتاب می‌دهند، اما در اجازه نامه کتاب هم با احتیاط می‌نویسد: «رساله شریفه توضیح المسائل را بعضی از آقایانی که محل وثوق و اطمینان اینجانب‌اند با فتاوی حقیر تطبیق نموده‌اند عمل به آن مجزی است ان شالله تعالی. حسین طباطبائی بروجردی».

چاپ کتاب

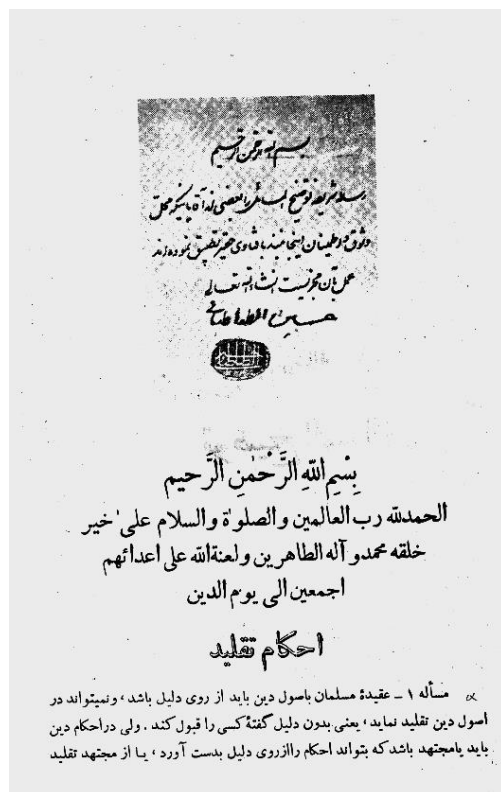
اکنون رساله توضیح المسائل با حدود سه هزار مسأله شرعی و به طور دقیق ۲۸۴۱^۳ در حدود ۴۰۰ صفحه آماده انتشار بود. این کتاب از چندین فیلتر عبور و در نهایت به مرحله انتشار رسیده بود. بهترین کار باید به بهترین شکل ممکن چاپ می‌شد. علامه کرباسچیان برای این کار با برادر خود عبدالله کرباسچیان که در آن زمان مدیر روزنامه ملت وابسته به فداییان اسلام بود و علاوه بر تحصیل در رشته روزنامه نگاری در کار نشر هم دستی داشت مشورت می‌کند. عبدالله کرباسچیان برادر علامه کرباسچیان آن روزها را اینگونه به یاد می‌آورد:

«ایشان [علامه کرباسچیان] دو سال مشغول نگارش و ویرایش رساله ی عملیه ی آقای بروجردی بودند و چون معتقد بودند کار را باید به کاردان سپرد و در مورد چاپ، بنده را ذی صلاح تشخیص می‌دادند چون کارم، کار چاپ و نشر روزنامه بود، گفتند: فلانی چه کنیم؟ آن موقع وسایل مثل امروز نبود. مجهزترین

۱. آرشیو کتابخانه آیت الله بروجردی

۲. مصاحبه با یحیی عابدی آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

۳. البته به مرور زمان احکام بانکها، بیمه، سرقفلی، تشریح و... به آن اضافه شد.



چاپخانه، چاپخانه ی مجلس بود، که مذاکرات وکلا را چاپ می کرد و به خودشان می داد. حروفش درجه یک، چاپش تمیز و کاغذش هم درجه یک بود. گفتم: من چاپخانه ای بهتر از چاپخانه ی مجلس سراغ ندارم. گفتند: خوب راهش چیست؟ گفتم: شخص رئیس مجلس [سردار حکمت] باید دستور بدهد. گفتند: شما صحبت کنید ببینید چه می شود. وقت گرفتیم و رفتیم. ایشان خیلی مؤدب و باسواد بود. مسئله را طرح کردم که رساله ای مربوط به جناب آقای بروجردی هست که اخوی بنده آن را به زبان ساده ی فارسی تبدیل کرده اند. گفت: به به من دلم می خواهد این کتاب را ببینم. گفتم: ایشان دو سال عمر شریف شان را روی این کار گذاشته اند و رساله ی جامع الفروع آقای بروجردی را که خیلی پیچیده و مغلق بود، تبدیل کردند به توضیح المسائل. گفت: به به، چه اسم خوبی! ما چنین چیزی نداشتیم. حالا از دست من چه کمکی بر می آید؟ گفتم: بله، ما برای این کتاب چاپخانه ی مناسبی غیر از چاپخانه ی مجلس نداریم. این حرف برای او خیلی غیر منتظره بود. دیدم رنگ عوض کرد و به فکر فرو رفت. خوب باید او فکر بالا را بکند. بالاخره هر چند این مجلس زیر نظر اوست ولی ارباب واقعی او شاه است. فکری کرد و گفت: آیا آقای بروجردی این کتاب را تأیید می کنند؟ گفتم: بله. گفت: بسیار خوب، این برای مجلس افتخاری است، ترتیب کار را می دهم. فقط آقای بروجردی یک تأیید بنویسند. گفتم: اصلاً مهر آقا روی آن

است. گفت: خیلی خوب، ما در اختیاریم. من به آقای کریم آزادی رئیس چاپخانه دستور می‌دهم که هر وقت شما خواستید کار را شروع کنید. من با آقای آزادی که مرد فهمیده و با کمال و فاضلی بود، تماس گرفتم و قرار می‌گذاختم که فلان روز با اخوی خدمتتان می‌رسیم. با آقا به آنجا رفتیم. آقای آزادی گفت: آقای فلسفی هم دیروز تلفنی سفارش کرده‌اند. آقا توضیح المسائل را روی میز گذاشتند. آقای آزادی آن را برداشت و بوسید و گفت: ما در خدمت شما هستیم. آقا گفتند: من ذکر خیر شما را شنیده‌ام و در قیافه‌ی شما آثار بزرگی و هوش را می‌بینم. این کتاب متعلق به اول مرجع شیعیان جهان است؛ می‌خواهیم بی‌غلط چاپ شود. یک وقت دیدیم آقای آزادی خودش را جمع کرد و گفت: جناب آقای علامه اصلاً چنین چیزی امکان ندارد. آقا گفتند: خیلی خوب ما بار بار را سبک می‌کنیم. آیا یک صفحه امکان دارد بی‌غلط باشد؟ بلافاصله گفت: البته. گفتند: ما یک صفحه یک صفحه کار می‌کنیم. یک صفحه را تصحیح می‌کنیم بعد تصحیح دوم و تصحیح سوم. چون نباید رساله‌ی مرجع تقلید شیعیان غلط داشته باشد تا مجبور شویم در آخر آن غلط نامه بگذاریم. آقای آزادی تکیه داد و گفت: آقای علامه شما نابغه‌اید؟ خلاصه با همت و پشتکار آقا در طی یک سال توضیح المسائل به عنوان اولین کتاب بی‌غلط در ایران از چاپ در آمد و الگویی شد برای همه‌ی نویسندگان و چاپچی‌ها که می‌گفتند یک آخوند از قم آمده و کتابی چاپ کرده که از اول تا آخر آن یک غلط ندارد. از آن موقع مطبوعات ما بی‌غلط شد. در حالی که قبلاً بعضی از کتاب‌ها ده پانزده صفحه غلط نامه داشت. بنده به عنوان شخصی که تحصیلات عالی در رشته‌ی چاپ و روزنامه‌نگاری دارد، اذعان می‌کنم که آقای علامه با چاپ توضیح المسائل، علاوه بر خدمت معنوی و الهی به جامعه، خدمت فرهنگی بزرگی به مطبوعات این مملکت کرد که متأسفانه کسی آن را نمی‌شناسد. یعنی نشان داد که کتاب می‌تواند بی‌غلط چاپ شود. از آن موقع به بعد اغلاط چاپی کتابها بسیار کم شد.^۱ به این ترتیب نمونه خوانی کتاب را خود برعهده گرفت. هر روز قبل از ساعت ۸ صبح - که زمان گشایش چاپخانه بود - پشت در چاپخانه آماده بود تا نمونه‌های غلط‌گیری شده را تحویل بدهد و نمونه‌های جدید را تحویل بگیرد.^۲ حتی برای اینکه انگیزه کارگزاران زیاد شود برای آنها شیرینی می‌خرید.

۱. زندگی نامه و خاطرات عبدالله کرباسچیان برادر علامه ص ۲۴۴-۲۴۶

۲. زندگی نامه و خاطرات عبدالله کرباسچیان برادر علامه ص ۲۲۹. حجت الاسلام حسن کرباسچیان نیز در این باره روایت دقیق تری دارد: «همان موقع به آقای آزادی می‌گویند: «چون این کتاب مرجعیت شیعه است، ما می‌خواهیم بی‌غلط باشد!» آقای آزادی تعجب می‌کند و می‌گوید: «خب، همه کتاب‌ها غلط‌نامه دارد!» و همین‌طور هم بود. وقتی یک بار غلط‌گیری می‌کردند، کتاب را به صورت فُرم فُرم یعنی شانزده صفحه شانزده صفحه چاپ می‌کردند و در آخر، غلط‌نامه‌ای هم به کتاب اضافه می‌کردند. بنده خودم کتابی دیدم که پنج صفحه غلط‌نامه داشت! خلاصه ایشان به آقای آزادی می‌گویند: «می‌شود یک صفحه‌اش بی‌غلط باشد؟» آقای آزادی پاسخ می‌دهد: «بله، مسلماً.» پدر ما در جواب می‌گویند: «پس همه‌اش هم می‌شود بی‌غلط باشد! ما کتاب را صفحه‌به‌صفحه پیش می‌بریم و این قدر می‌خوانیم تا غلط نداشته باشد.» یک بار آیت‌الله جعفر سبحانی به من فرمودند:

کتاب در ۱۰۰۰ نسخه به مبلغ ۳۰ ریال تمام شد که به مبلغ ۳۵ ریال فروخته شد. «آقای کرباسچیان سرمایه انتشار این کار را نداشت. مرحوم مصدقی‌راد که در بازار بین الحرمین تهران کنار درب غربی مسجد جامع بازار مغازه داشت قبول کرد که هزینه‌های آن را بدهد. مرحوم «مصدقی‌راد» جد مادری آقای دکتر غلامعی حداد عادل، کاغذ فروش بود و اصلاً فعالیتش در حوزه کار کتاب و نشر نبود، ولی چون آقای کرباسچیان سرمایه نداشت سرمایه را او گذاشت و کتاب را به چاپخانه دادند. در زمان چاپ همه کارها تحت نظر آقای کرباسچیان بود.»^۱ «سرانجام توضیح المسائل چاپ شد و مورد استقبال قرار گرفت. در اخلاص علامه کرباسچیان همین بس که نام خود را به عنوان مؤلف این کتاب نیاورد. حتی زمانی آیت الله بروجردی به او گفت که: «از ما می‌پرسند چرا مؤلف اسم خود را بر روی اثر نوشته است؟». آبا این حال آقای عباس فقیهی [برادر علی اصغر فقیهی] نقل می‌کند که میان آقای کرباسچیان و برادرش این قول و قرار بوده است که نام هیچ کس به عنوان مؤلف بر روی کتاب نیاید و از اینکه نام آقای کرباسچیان به عنوان مؤلف بر روی توضیح المسائل درج شد ناراحت بود.»^۲

نگارنده این مقاله نتوانست چاپ اول و اصلی این رساله که در سال ۱۳۳۵ منتشر شده است را پیدا کند اما در فایل صوتی مصاحبه با علامه کرباسچیان ایشان با اشاره به نسخه مذکور می‌گوید: «همانطور که می‌بینید بر روی جلد نام مؤلف نیامده است تنها به اینکه رساله آیت الله بروجردی است اشاره شده است اما آقا مصدقی‌راد که مرد شریفی بود و از طفولیت با ما دوست بود، گفت من رساله را چاپ می‌کنم، بعد به بنده گفتم، شما اسمتان را روی جلد بنویسید. گفتم ممکن نیست بالاخره صفحه آخر نوشت: به قلم یکی از محصلین حوزه علمیه قم و به همت حسین مصدقی طبع و منتشر گردید... آقای بروجردی گفتند که نامه‌های از اطراف می‌رسد که چرا مؤلف اسم خودش را نوشته است؟ گفتم آقا بنا نیست ما اسم خودمان را بنویسیم.»^۳

همچنین از روی چاپی که توسط شخصی به نام جاراللهی و بدون اجازه آقای کرباسچیان در نشر علمی افست شده است، می‌شود فهمید که هیچ نامی از مؤلف یا مولفان بر روی رساله وجود ندارد. ممکن است این ناراحتی مربوط به چاپ‌های سال ۱۳۳۸ به بعد باشد که نام علامه کرباسچیان به عنوان مؤلف بر روی کتاب آمده است، و به عقیده برخی، به دلیل محذوراتی بوده است که در نشر با آن مواجه بوده‌اند.

«آن وقتی که پدر شما توضیح المسائل را چاپ می‌کرد، من هم مشغول چاپ کتاب تقریرات درس اصول امام خمینی بودم؛ اما کتاب پدر شما بی‌غلط بود و کتاب ما غلط داشت!» یعنی ایشان هم به این قضیه عنایت داشتند. [آرشیو موسسه علامه کرباسچیان]

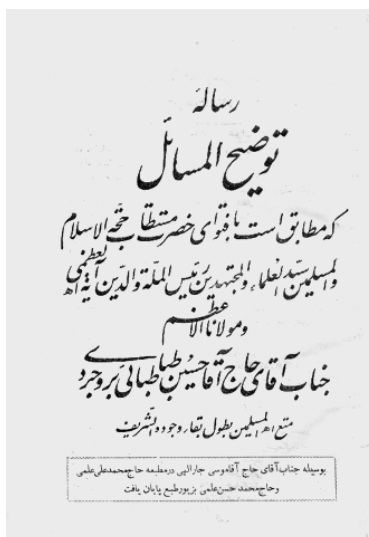
۱. مرتضی آخوندزاده، ۸۰ سال تکاپوی علمی و فرهنگی ص ۶۲

۲. خاطرات عبدالله کرباسچیان برادر علامه ص ۲۲۹

۳. تاریخ شفاهی کتابخانه آیت الله بروجردی مصاحبه با عباس فقیهی

۴. مصاحبه با علی اصغر کرباسچیان موجود در آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها □ ۲۳۱



نسخه افست اولین چاپ توضیح المسائل که توسط آقای جلال‌اللهی بدون اجازه منتشر شده است.

بعد از چاپ کتاب

استقبال از کتاب در روزهای اول آنقدرها زیاد نبود. چاپ اول و دوم به علت عدم شناخت و مخالفت بعضی از ناشران فروش چندانی نداشت. علامه از کتابفروشی خواستند که به همان قیمت پشت جلد بفروشند. بنابر این کتاب با سود بسیار جزئی به فروش می‌رفت، طوری که ناشران قم می‌گفتند: «این کتاب چون ارزان است، باعث شده کتاب‌های ما دیگر فروش نرود!» با این حال به دلیل برخی مخالفت‌ها آن طور که باید از آن استقبال نشد. برخی گفتند که این رساله باعث می‌شود درب خانه علما بسته شود. با این حال بعضی از طلبه‌ها که علامه را می‌شناختند این کتاب را با خود به تبلیغ می‌بردند و به این صورت بود که کتاب معرفی شد. به هر تقدیر خیلی زود این رساله جای خودش را میان مردم باز کرد. مرحوم علی دوانی در این مورد می‌نویسد: انتشار رساله «توضیح المسائل» نقطه عطفی در آشنائی عامه مردم با مسائل شرعی بود، و در اندک زمانی هزاران جلد آن به فروش رسید، و هنوز یک سال نشده، چند بار چاپ و منتشر گردید، و در سنوات بعد میلیون‌ها جلد آن انتشار یافت. این معنی به خوبی می‌رساند که کوتاهی از مقامات روحانی و حوزه‌های علمی است که زودتر دست به کار نشده‌اند، و خود را با اوضاع زمان هماهنگ نساخته‌اند»^۱.

^۱ . مفاخر اسلام ج ۱۲ ص ۲۲۳؛ «رساله توضیح المسائل» پس از رحلت آیت الله بروجردی هم با تطبیق فتاوی مراجع بعدی به همین نام تاکنون چاپ و منتشر شده است، یعنی متن از آیت الله بروجردی، و حواشی فتاوی مراجع بعدی است، ولی

شیخ محمد رضا مهدوی کنی می گوید: «کار علامه یک اقدام عملی بود برای کسانی که به دنبال تحول در حوزه بودند. برای اینکه آن هایی که به دنبال تحول بودند طرفدارانی نداشتند، اما این کار یک اقدام عملی بود که اثرات آن باعث شد تحول فکری و فرهنگی درحوزه بود».^۱

آقای بروجردی هم در دیدار با علامه به این انعکاس انتشار این رساله اشاره کرده بود: «وقتی بنده یک روز خدمت ایشان رسیده بودم، فرمودند این رساله شما هنگامه ای در دنیا به پا کرده است».^۲

همین استقبال و سود خوبی که در فروش کتاب بود، عده ای را به این فکر انداخت که بدون اجازه دست به انتشار رساله توضیح المسائل بزنند. حجت الاسلام حسن کرباسچیان نقل می کند: «یک بار آقای کاغذیان که خودشان هم در کار کاغذ و چاپ و این مسائل بودند، به مرحوم علامه خبر می دهند که فلان ناشر کتاب شما را به شکل غیرقانونی و بدون اجازه تان افست و چاپ کرده و دارد توزیع می کند. مرحوم علامه از آقای کاغذیان می پرسند: «مردم هم می خرند؟» آقای کاغذیان پاسخ می دهد که «بله، و دارد یواشکی می فروشد». ایشان می گویند: «خب، به او بگویید علنی بفروشد. ما می خواهیم احکام به دست مردم برسد دیگر.» حتی یک بار یکی از آشنایان دلسوز مرحوم علامه، شروع کرده بود به پیگرد قانونی یکی از همین ناشران غیرمجاز. پدر ما وقتی فهمیده بودند، به شدت مانع شده بودند.^۳

از آن پس همه علما با وارد کردن فتاوی خودشان، همان کتاب را منتشر کردند، طوری که شماره مسائل در رساله برخی از مراجع فعلی مشابه همان رساله اولیه است و تقریباً دست نخورده باقی مانده و صرفاً برخی فتاوی جدید به آخر کتاب افزوده شده است. همچنین آقای اخلاقی نسخه ای از این کتاب را به نجف برد تا علما را قانع کند که بر اساس آن فتاوی خود را بنویسند که مقدمه چاپ توضیح المسائل با حاشیه ۹ مرجع شد.

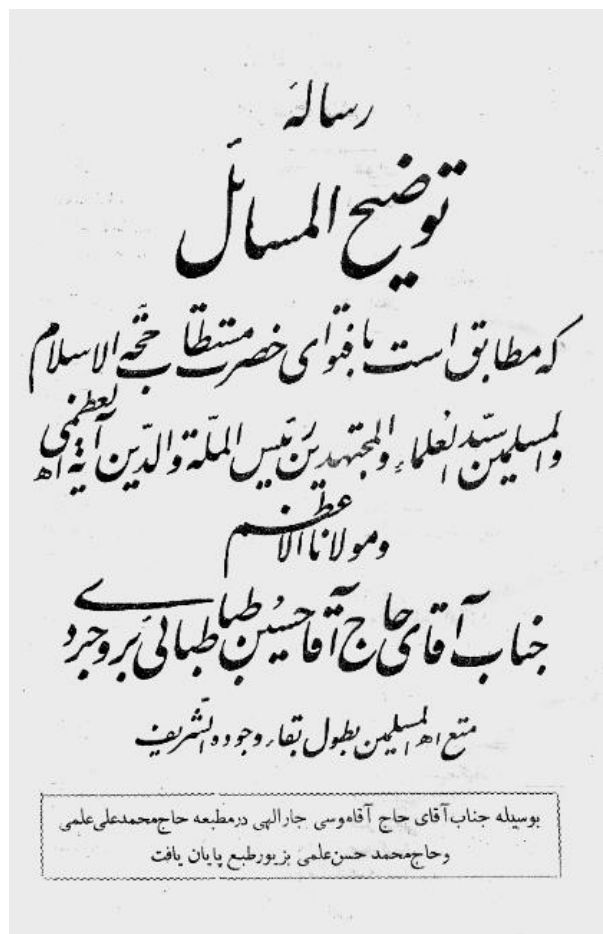
متأسفانه کار در همین جا متوقف مانده است. رسائلی هم که به نامهای دیگر از مراجع بعدی تاکنون تدوین شده است، پاسخگوی نیاز مردم نیست. هنوز الفاظ و تعبیرات و اصطلاحاتی در این رسائل هست که می باید عوض شود و جای آنها را الفاظ و تعبیرات بهتر و ساده تری بگیرد.

^۱ رساله ماندگار، ص ۲۰۱

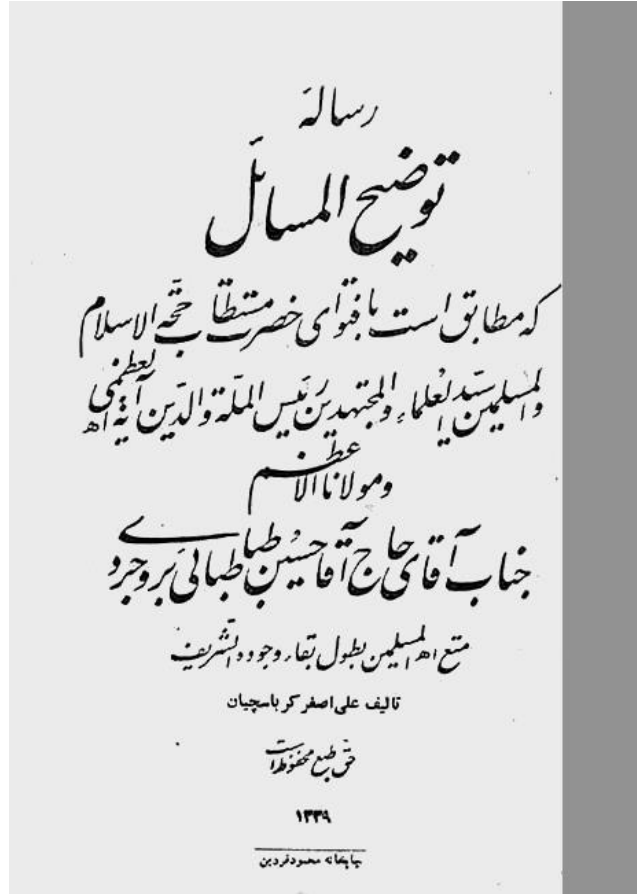
^۲ آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

^۳ مصاحبه با حجت الاسلام حسن کرباسچیان فرزند علی اصغر کرباسچیان، آرشیو صوتی موسسه علامه کرباسچیان

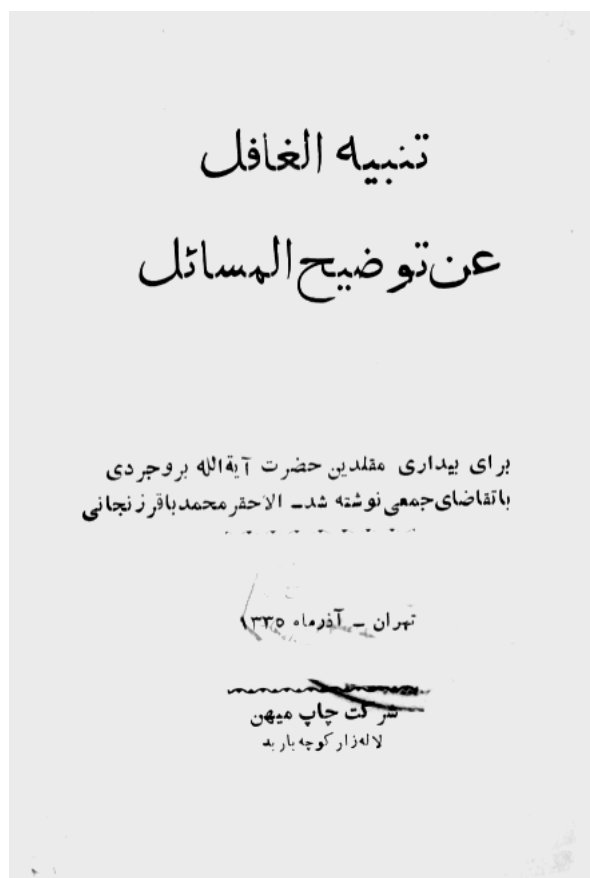
توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایتها □ ۲۳۳



صفحه اول چاپ افست رساله توضیح المسائل که توسط جاراللهی و به صورت غیرقانونی منتشر شده بود



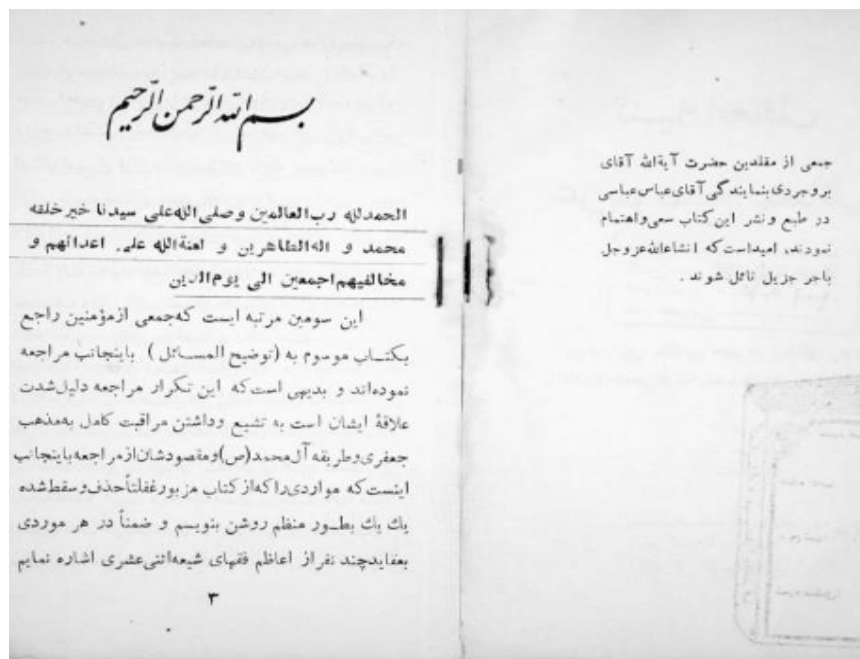
توضیح المسائل چاپ فردین با ذکر نام آقای کر باسچیان بر روی جلد



تنبيه الغافل

آذرماه ۱۳۳۵ کتابی در تهران با عنوان تنبيه الغافل عن توضیح المسائل با این توضیح که «برای بیداری مقلدین حضرت آیت الله بروجردی با تقاضای جمعی نوشته شد» توسط «الاحقر محمد باقر زنجانی» و توسط شرکت چاپ میهن در کوجه باربد لاله زار منتشر شد. در مقدمه کتاب آمده است که: «این سومین باری است جمعی از مؤمنین راجع به کتاب موسوم به توضیح المسائل به اینجانب مراجعه کرده‌اند. مقصودشان این است که مواردی که غفلتاً از کتاب مزبور حذف شده است به طور منظم و روشن نوشته شود و در هر موردی عقاید چند نفر از علمای شیعه هم توضیح داده شود». البته نویسنده کتاب این را هم توضیح می‌دهد که «در عین حالی که استعداد مزاجی ندارد و به طوری که اکثر رفقا می‌دانند در هر هفته

اقلاً دو روز مریض و ناتوان است و از طرفی وظایف دیگری هم دارد»^۱، اما فقط برای رفع نگرانی آقایان و روشن شدن اعتبار توضیح المسائل امثال امر نموده و این جزوه را آماده کرده است.



محمد باقر زنجانی در این جزوه اشکالات متعددی را برای رد انتساب این کتاب به آیت الله بروجردی و همچنین رد اعتبار این کتاب مطرح می‌کند که بسیار قابل توجه و جالب است. جالب‌تر اینکه این ردیه در زمان حیات آیت الله بروجردی که امکان دسترسی به ایشان ممکن بوده نوشته شده است. اشکالات محمد باقر زنجانی به این شرح است:

«اشکال اول توضیح المسائل این است که این کتاب از طرف آیت الله بروجردی امضاء و تصدیق مکتوب ندارد، بلکه به صورت نامه‌ای مجزا در کنار کتاب آمده است که کافی نیست، چرا که معمول است که در خود کتاب بیاورند نه در نامه مجزا. در نامه آمده برخی موثّقین کتاب را مطابق فتوای آقا دیده‌اند نه اینکه خود آقا مطالعه و مطابقت کرده باشد، و این اشخاص که مطابقت کرده‌اند مجهول‌اند. در نامه آمده توضیح المسائل جایز العمل است بدون اینکه حدود مشخصاتی ذکر شده باشد و از طرف دیگر مولف کتاب برای کتاب اسم نگذاشته بعداً در مطبوعه اسم توضیح المسائل آمده است آیا چسباندن این نامه به این

^۱ تنبیه الغافل، ص ۳

کتاب بی نام آن را توضیح المسائل می‌کند. ثالثاً این نامه تاریخ ندارد و ممکن است بعد از این کتاب در مورد کتاب دیگری نوشته شده باشد امضا مال زمانی است که دست آقا ریشه نداشت و الان امضای آقا عوض شده است و کتاب یک سال و نیم است که منتشر شده است و اگر از همه این حرفها ما صرف نظر و اغماض کنیم، این کتاب عیب بزرگی دارد که هیچ قابل اغماض نیست و آن این است که نویسنده این کتاب راجع به یک موضوع به قدری کوتاهی کرده که نسبت دادن این کتاب به یک نفر فقیه شیعه سزاوار نمی‌باشد... آن موضوع عبارت است از احکام مربوط به سنی و مخالف و خوارج و نواصب»^۱.

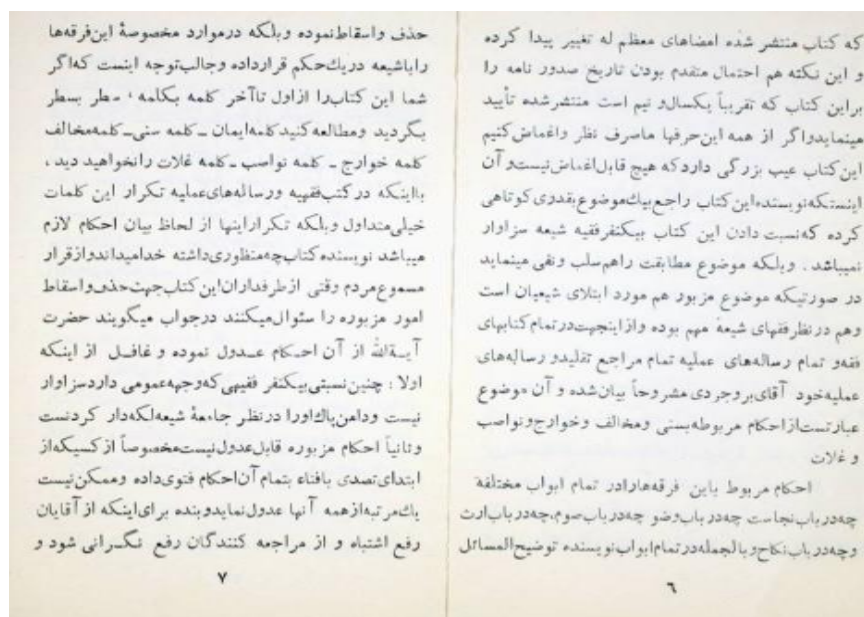
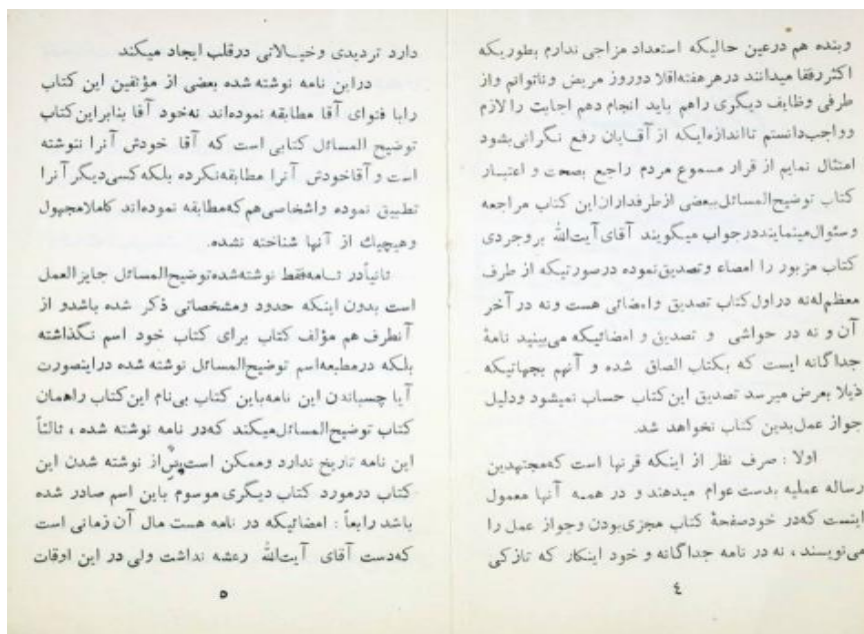
بحث و بررسی اشکالات مطرح شده در تنبیه الغافل فرصت مناسب دیگری می‌طلبد هرچند در کتاب رساله ماندگار تا حدودی این اشکالات طرح و بررسی شده است^۲ اما آنطور که علامه کرباسچیان خود می‌گوید دلیل اصلی مخالفت‌ها این بود که «می‌گفتند شما مردم را از روحانیت جدا کرده‌اید و دیگر کسی به درب خانه اهل علم نمی‌آید»^۳ اما درباره شیخ باقر زنجانی و عکس العمل آیت الله بروجردی نسبت به این ردیه او شیخ یحیی عابدی می‌گوید: «این شیخ همشهری من و زنجانی است. مدتی نماینده مردم زنجان در مجلس بود. بعد از اینکه نمایندگی‌اش تمام شد گوشه‌گیری را انتخاب کرد. وقتی آیت الله بروجردی وی را خواست که چرا علیه توضیح المسائل جزوهای نوشته‌شده جوابی برای گفتن نداشت. چون آیت الله العظمی بروجردی انسان سلیم‌النفسی بود مقداری پول هم جهت تقویت روحی و زحمتی که کشیده بود به این مرد داد، و بعداً این مرد از عملی که کرده بود پشیمان شد»^۴.

^۱ تنبیه الغافل ص ۳ و ۴؛ تاریخ دقیق چاپ توضیح المسائل معلوم نیست اما از آنجا که تنبیه الغافل در آذرماه سال ۳۵ منتشر شده است و تاریخ نشر توضیح المسائل را یک سال و نیم قبل عنوان کرده است پس چاپ توضیح المسائل مربوط به حدود بهار سال ۳۴ است.

^۲ رساله ماندگار ص ۴۱۳

^۳ مصاحبه با علی اصغر کرباسچیان آرشیو موسسه علامه کرباسچیان

^۴ رساله ماندگار ص ۴۱۴

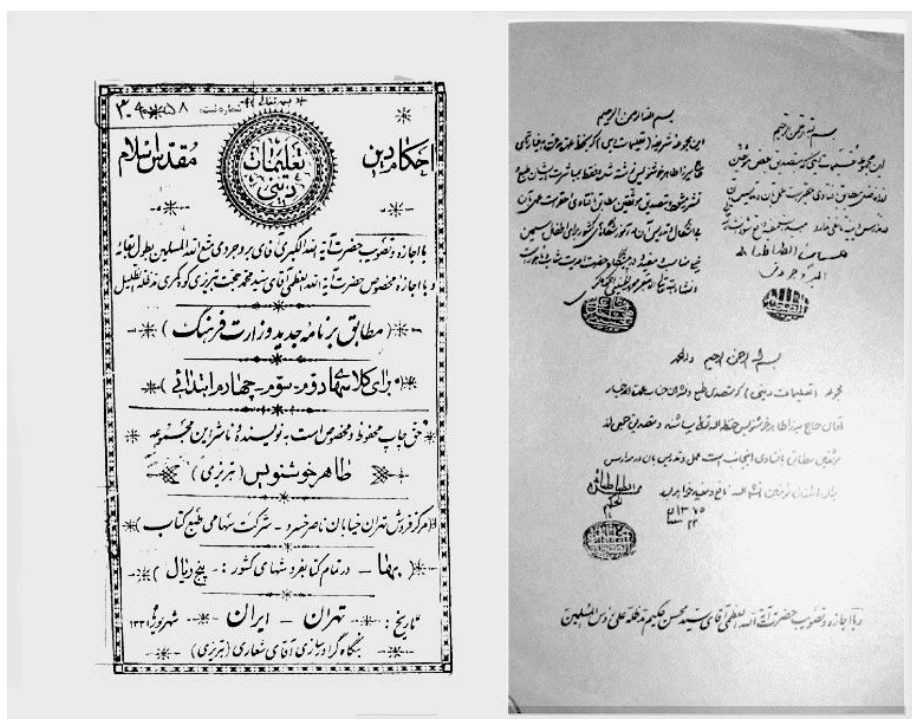


اثرات نشر توضیح المسائل

علامه بعد از انتشار رساله توضیح المسائل راه ساده نویسی را ادامه می دهد ابتدا به سراغ خلاصه المسائل

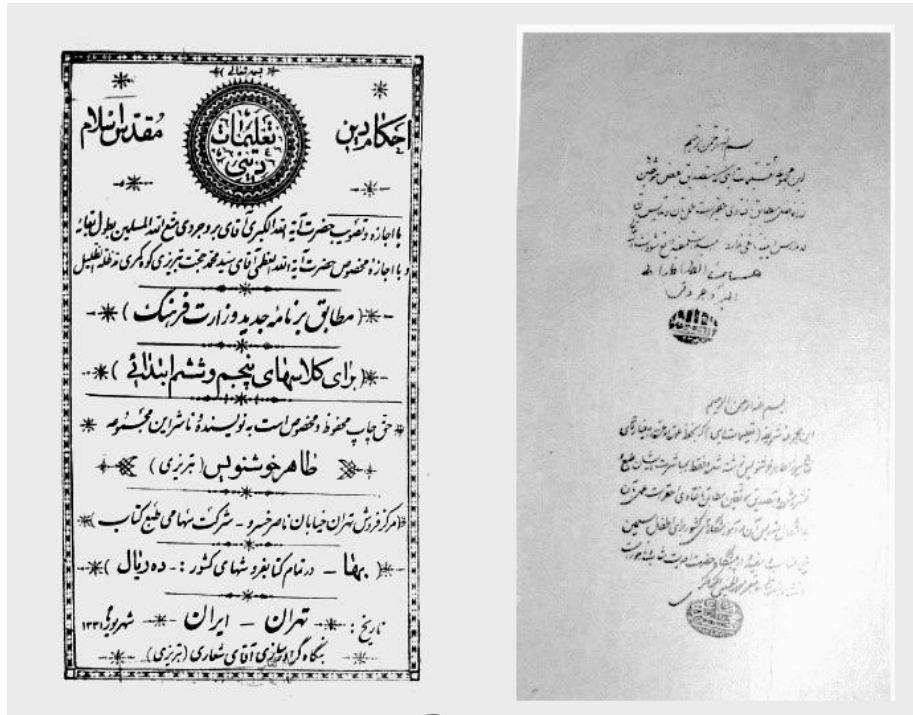
توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها □ ۲۳۹

که خلاصه توضیح المسائل بوده می‌رود.^۱ سپس توضیح المناسک که مناسک حج مطابق فتوای آقای بروجردی بوده است را منتشر می‌کند. همچنین به آیت الله بروجردی پیشنهاد می‌کند تا نسبت به ترجمه روایات اعتقادی جامع احادیث شیعه اقدام کنند. ترجمه‌ای که ۱۷۰ صفحه از آن آماده می‌شود اما با فوت آیت الله بروجردی این کار متوقف شده و به سرنوشت نامعلومی دچار می‌شود. این مجموعه اقدامات، الگویی برای اقدامات دیگری در این زمینه می‌شود. از جمله می‌توان به چاپ کتاب احکام دین مربوط به مقطع ابتدایی، چاپ خودآموز اسلامی مربوط به مقطع دبیرستان اشاره کرد.



تعلیمات دین مربوط به کلاس دوم تا چهارم ابتدایی

^۱ برخی به اشتباه «دستور عبادات یا خلاصه المسائل» را همان توضیح المسائل پنداشته اند.



تعلیمات دین مربوط به کلاس پنجم و ششم ابتدایی

توضیح المسائل آیت الله بروجردی در آینه روایت‌ها □ ۲۴۱



خودآموز اسلامی مربوط به مقطع دبیرستان